

## چرا اهل تسنن فمس را فقط موکول به زمان جنگ و غنالم آن میدانند؟

سوال کننده : تارى وردى

### توضیح سؤال :

- 1- بحث خمس بعنوان 20% از درآمد ؛ اعم از هر نوع درآمد تجارت ، زراعت ، ... از چه تاريخي در شيعه جاري شد؟
- 2- چرا اهل تسنن خمس را فقط موکول به زمان جنگ و غنائم آن میدانند ؟
- 3- چرا روحانيت محترم مردم ايران را به ادای نماز در وقت پنج گانه که در توصيه هاي شخصي مراجع نیز موجود است، تشويق نمي نمايند ؟ مطمئنا روحانيت نقش بسيار مهمي در احياي اين سنت پسندیده و فرهنگ سازي آن خواهند داشت .

### پاسخ :

همه فقهای اسلام معتقدند که خمس و پرداخت يك پنجم از اموال در غنيمت هاي جنگي ، گنج و معادن طلا و نقره واجب است . ابن زهره حلبی مي گوید :

واعلم ان مما يجب في الاموال الخمس و الذي يجب فيه الغنائم الحربية و الكنوز و معادن الذهب و الفضة بلا خلاف .

سلسلة الينابيع الفقهية (غنية النزوع) ، ج 5 ، ص 224 .

ولي در دو مورد میان شيعه و سني اختلاف نظر وجود دارد : يکي در وجوب خمس در سود کسب و تجارت و ديگري در مصرف آن . البته بايد توجه داشت که شيعه وجوب خمس در ارباح مکاسب را مشروط بر مازاد بودن بر هزینه و مؤنه يك سال مي داند و معيار در فهم مؤنه عرف است .

### وجوب فمس در سود کسب و تجارت

#### دیدگاه شيعه

فقهای شيعه معتقدند يکي از موارد وجوب خمس، مالي است که از مخارج و هزینه هاي زندگي انسان در يك سال اضافه مانده است، خواه اين مال از راه تجارت يا زراعت و کشاورزي و يا حقوق ماهيانه که دريافت ميشود ، در ذيل به بعضي از کلمات فقهای شيعه اشاره مي شود :

شيخ مفيد رضوان الله عليه مي فرمايد :

والخمس واجب في كل مغنم قال الله عزوجل ( واعلموا انما غنمتم من شي فان لله خمسة وللرسول )والغنائم كل ما استفيد بالحرب من الاموال والسلاح و الثياب و الرقيق وما استفيد من المعادن والغوص والكنوز وكل ما فضل من ارباح التجارات و الزراعات والصناعات من المؤنة والكفاية في طول السنة علي الاقتصاد .

المقنعة ، ص 276 .

خمس واجب است در هر سودي . خداوند در قرآن مي فرمايد (بدانيد هر چه غنيمت برديد از هر چيزي پس يك پنجم آن براي خدا و رسول است ) و غنيمت هر چيزي است که در حرب مورد استفاده قرار گيرد مثل مال وسلاح و لباس و آنچه که بدست مي آيد از معدن و غواصي و گنج و هر چه که از سود تجارت و زراعت و صنايع زياد تر از هزینه متوسط سال باشد .

## دلایل قول شیعه

فقهای شیعه برای اثبات وجوب خمس در سود کسب و تجارت به کتاب و سنت استناد کرده اند که در ذیل به توضیح و شرح بعضی از آن ها می پردازیم .

الف . قرآن

خداوند متعال می فرماید :

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمِنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِي الْأَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

انفال / 41 .

و بدانید هر گونه غنیمتی که به شما رسد ، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است ، اگر شما به خدا و آن چه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل ، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم ، ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیزی قادر است .

نحوه استدلال: درآیه شریفه بر موضوع «غنیمت» حکم وجوب خمس را مترتب ساخته است، در این جا باید دید که مقصود از غنیمت چیست؟ آیا مقصود غنیمت جنگی است یا هر فائده ای است که انسان به دست می آورد؟ تردیدی نیست که برای فهم این واژه می بایست به لغت شناسان مراجعه کرد تا از آن راه علم به معنای لغات قرآن و سنت حاصل گردد.

غنیمت در لغت

با مراجعه به لغت معلوم می شود که غنیمت به معنای مطلق فائده ای است که انسان به دست می آورد و اختصاصی به غنیمت جنگی ندارد و در ذیل به ذکر کلمات برخی از لغت شناسان می پردازیم :

خلیل فراهیدی می گوید :

الغنم الفوز بالشيء في غير مشقة و الاغتنام انتهاز الغنم. العين: ماده غنم.

غنیمت بدست آوردن چیزی است بدون سختی و اغتنام به معنی استفاده از غنیمت است .

ازهری می گوید :

قال الليث : الغنم ، الفوز بالشيء و الاغتنام انتهاز الغنم . تهذيب اللغة: ماده غنم .

لیث گفته است که : غنم یعنی بدست آوردن چیزی و اغتنام استفاده از غنیمت است .

ابن فارس می گوید:

غنم اصل صحيح واحد يدل علي افادة شي لم يملك من قبل ثم يختص بما اخذ من المشركين. مقاييس اللغة ، ماده غنم.

غنم مصدری است که حروف اصلی آن صحيح است ( اصطلاح علم صرف) معنای آن فایده بردن از چیزی است که قبل از آن مالکش نبوده است . سپس مخصوص شد به آنچه از مشرکین گرفته می شود .

ابن منظور می نویسد :

الغنم الفوز بالشيء من غير مشقة. لسان العرب ، ماده غنم.

بدست آوردن چیزی است بدون مشقت

و...

همان گونه که از گفتار و تصریح لغت شناسان به دست آمد این که غنم در لغت معنای وسیع تری از غنیمت جنگی دارد و به معنای مطلق فائده ای است که انسان بدون مشقت و سختی به دست آورده باشد ولی بعدها پس از نزول قرآن به خاطر

جنگ هایی که پیش آمد غنیمت بیشتر در معنای اموالی استعمال شد که از مشرکان گرفته می شد. بنابراین لفظ غنیمت در آیه بر همان معنای لغوی آن حمل می شود مگر این که قرینه قطعی وجود داشته باشد که مقصود از آن غنیمت جنگی باشد.

### غنیمت در تفاسیر اهل سنت

رشیدرضا در تفسیر المنار غنیمت به کار رفته در آیه را به معنای وسیع ذکر کرده و آن را به غنائم جنگی اختصاص نداده است ولی معتقد است باید معنای وسیع آیه فوق را به خاطر قید شرعی مقید به غنائم جنگی کرد.

تفسیر المنار، ج 10، ص 3.

آلوسی نیز در تفسیر روح المعانی غنم را در اصل لغت به معنای هر گونه سود و منفعت دانسته است.

وغنم في الأصل من الغنم بمعني الربح

روح المعاني، ج 10، ص 2.

غنم در اصل به معنای سود به کار برده می شده است.

همان گونه که از اظهارات این مفسران معلوم شد غنیمت به کار رفته در آیه عمومیت داشته و شامل مطلق فائده و منفعتی که انسان در زندگی از هر راهی به دست آورده باشد، می شود و غنیمت در آیه اختصاصی به غنیمت جنگی ندارد؛ اما برخی از آن ها معتقد بودند که چون طبق روایات اهل سنت غنیمت در عرف شرع در غنیمت جنگی انحصار پیدا کرده است، لازم است آن غنیمت را بر غنیمت جنگی منحصر نماییم؛ ولی ما معتقدیم می بایست دلالت آیه بر مطلب را مستقلاً فهمید و در نهایت اگر با روایات دیگر تعارضی داشت، تعارض را علاج کرد و بر فرض این که روایات دیگری از اهل سنت بر انحصار خمس در غنیمت جنگی وجود داشته باشد به حد تواتر نمی رسند و طبق مبناي مشهور اهل سنت در اصول فقه، خبر واحد نمی تواند عموم آیه را تخصیص بزند.

### خمس غنیمت در روایات اهل سنت

روایات بسیاری از پیامبر اکرم نقل شده که به اصحاب خویش دستور به گرفتن خمس داده اند و یا هنگامی که افرادی به ایشان مراجعه می کردند در ضمن دستورات دینی، وجوب پرداخت خمس را یادآور می شدند در حالی که هیچ جنگ و نبردی هم در کار نبود. تا غنیمت جنگی از آن برداشت شود، در ذیل به برخی از آن روایات اشاره می شود:

1. لما و قد عبد القيس لرسول الله فقالوا: ان بيننا وبينك المشركين و انا لا نصل اليك الا في شهر الحرم خمرنا بجمل الامر ان عملنا به دخلنا الجنة و ندعو اليه من ورائنا. قال: آمرکم بربع و انهاکم عن اربع، آمرکم بالايمان بالله و هل تدرون ما الايمان؟ شهادة ان لا اله الا الله و اقام الصلاة و ايتاء الزكاة و تعطوا الخمس من المغنم.

صحیح البخاری، ج 4، ص 250 و صحیح مسلم، ج 1، ص 35.

در این حدیث پیامبر از اهالی عبدالقیس نخواستہ است که غنیمت های جنگی را پرداخت نمایند زیرا آنان از خوف مشرکین نمی توانستند نزد پیامبر بیایند بنابراین این جنگی در کار نبوده تا مقصود از غنیمت در حدیث غنیمت جنگی باشد.

2. بسم الله الرحمن الرحيم هذا عهد من النبي رسول الله لعمر بن حزم حين بعثه الي اليمن، امره بتقوي الله في أمره كله و ان يأخذ من المغانم خمس الله و ما كتب علي المؤمنين من الصدقة من العقار عشر ما سقي البعل و سقت السماء و نصف العشر مما سقي الغرب (اي الدولوا العظيمة).

سیرة ابن هشام، ج 4، ص 256 و فتوح البلدان، ج 1، ص 81.

3. من محمد النبي للجميع و من تبعه و اسلم و اقام الصلاة و آتي الزكاة و اطاع الله و رسوله و اعطي من المغانم خمس الله.

4. كتب لخباذة الأزدي وقومه ومن تبعه: ما أقاموا الصلاة وآتوا الزكاة واطاعوا الله ورسوله وأعطوا من المغنم الخمس لله و سهم النبي و فارقوا المشركين فإن لهم ذمة الله و ذمة محمد بن عبد الله .

همان، ص 305 و 304.

5. كتب لملوك حمير : و آتيتم الزكاة و اعطيتم من الغنائم خمس الله و سهم النبي و صفیه و ما كتب الله علي المؤمنین من الصدقة .

سيره ابن هشام، ج 4، ص 258.

6. كتب لنبي ثعلبة بن عامر : من اسلم منهم و اقام الصلوة و آتي الزكاة و اعطي خمس المغنم و سهم النبي و الصفي .

أسد الغابة، ج 3، ص 34.

7. كتب الي بعض أفاخذ جهينه: من اسلم منهم و اقام الصلاة و آتي الزكاة و اطاع الله و رسوله و اعطي من الغنائم الخمس .

الطبقات الكبرى، ج 1، ص 271.

در این نامه هایی که پیامبر به قبائل مختلف عرب فرستاده است سه احتمال وجود دارد :

1. مقصود از غنیمت اموالی بوده که آنان از طریق غارت و تاراج به دست آورده اند. این احتمال درست نیست؛ زیرا حضرت به طور صریح از غارت گری نهی فرموده است .

قال رسول الله (صلي الله عليه وآله): «ان النهبة ليست باحل من الميتة» .

سنن ابو داود، ج 2، ص 12.

2. ممکن است مقصود غنائم جنگی باشد که مسلمانان از طریق جنگ و جهاد به دست آورده اند این احتمال نیز باطل است؛ زیرا اولاً، جنگ و جهاد بدون اذن پیامبر جایز نبوده است و معلوم هم نیست که از حضرت اذن گرفته باشند، خصوصاً اهالی عبدالقیس که امکان ارتباط با پیامبر را جز در ماه های حرام نداشتند، علاوه بر این که پیامبر خودش غنائم جنگی را تقسیم می کرد و معنا نداشته که پیامبر از آنان بخواهد که این تقسیم را انجام دهند .

3. احتمال سوم این که مقصود از غنیمت، کسب و تجارت باشد؛ یعنی در همه موارد فوق پیامبر دستور داده که مردم از مازاد بر کسب و تجارت خود خمس پرداخت نمایند .

الاعتصام بالكتاب و السنة، ص 104.

جالب تر از همه اینها آنچه که در بخاری است که در آن آمده در عنبر و مروارید خمس است !!! عنبر ماده ایست خوشبو که با غواصی یا شکار بعضی ماهی ها بدست می آمد و موافق قول شیعه است . حال اهل تسنن که خمس را مربوط به غنائم جنگی می دانند در کدام جنگ به مقابله با ماهی عنبر و با قلاب ماهی گیری رفته اند خدا می داند!!!

### موارد خمس در کتب اهل تسنن :

همانطور که از مبسوط سرخسی ج ۲ ص ۲۱۱ باب المعادن بدست می آید اهل تسنن خمس را تنها مربوط به چیزی می دانند که از جنگ بدست آید و لذا خمس در معدن را منوط به معدنی می کند که در زمین گرفته شده از کفار بدست آید مانند گنج و لذا در وجوب خمس در لؤلؤ و عنبر اشکال می کند . چون آن دو هیچ ربطی به جنگ ندارند اما ما در صحیح بخاری می بینیم که در لولو و عنبر خمس است و این نمی تواند باشد مگر طبق نظر شیعه :

وهذا لأن المعني الذي لأجله وجب الخمس في الكنز موجود في المعدن فإن الذهب والفضة تحدث في المعدن من عروق كانت موجودة حين كانت هذه الأرض في يد أهل الحرب ثم وقعت في يد المسلمين بإيجاف الخيل فتعلق حق مصارف الخمس بتلك

العروق فيثبت فيما يحدث منها فكان هذا والكنز سواء من هذا الوجه

### المبسوط للسرخسي ج2/ص211

این (وجوب خمس در معدن) از آن جهت است که علتی که سبب وجوب خمس در گنج شد سبب وجود آن در معدن هم می شود پس به درستیکه طلا و نقره در زمین درست می شود از رگه هایی که در زمین به هنگام تسلط کفار حربی بر آن موجود بوده است سپس با جنگ به دست مسلمانان افتاده است پس حق خمس به آن رگه ها تعلق گرفته است پس هر چه که از آن رگه ها هم بدست آید همان حکم را دارد پس گنج و معدن از این جهت یکی هستند

این کلام وی صریح است در اینکه اگر معدن در زمین مسلمانان باشد و با جنگ از کفار بدست نیاید خمس ندارد.

ثم وجوب الخمس فيما يوجد في الركاز لمعني لا يوجد ذلك المعني في الموجود في البحر وهو أنه كان في يد أهل الحرب وقع في يد المسلمين بإيجاف الخيل والركاب وما في البحر ليس في يد أحد قط لأن قهر الماء يمنع قهر غيره ولهذا قال مشايخنا لو وجد الذهب والفضة في قعر البحر لم يجب فيهما شيء

### المبسوط للسرخسي ، ج2 ، ص213 .

وجوب خمس در آنچه که از گنج بدست می آید به خاطر علتی است که در آنچه در دریاست یافت نمی شود . و آن علت بودن گنج است در دست کفار حربی و سپس به دست مسلمانان افتاده است با جنگ . اما آنچه که در دریاست در دست هیچ کس نبوده است چون آب مانع تسلط هیچ کس بر آن نبوده است (یعنی مورد سلطه کفار نبوده) و به همین دلیل بزرگان ما گفته اند اگر چیزی از طلا یا نقره را در کف دریا پیدا کرد چیزی در آن نیست

این کلام نیز صریح است در این که طبق موازین عادی اهل تسنن به عنبر و لولو که از دریا می آید خمس تعلق نمی گیرد اما در صحیح بخاری می بینیم :

### صحیح البخاری ج2/ص544 باب ما يستخرج من البحر

وَقَالَ الْحَسَنُ فِي الْعَنْبَرِ وَاللُّؤْلُؤِ الْخُمْسُ

### تاریخ خمس در بین شیعه :

روایات خمس در نزد شیعیان از امیر مومنان علی علیه السلام شروع می شود :

عن علي (ع):

عن علي (عليه السلام) قال : وأما ما جاء في القرآن من ذكر معاش الخلق وأسبابها فقد أعلمنا سبحانه ذلك من خمسة أوجه : وجه الإمارة ، وجه العمارة ، وجه الإجارة ، وجه التجارة ، ووجه الصدقات ، فأما وجه الإمارة ، فقولته : ( واعلموا أننا غنمتم من شيء فأن لله خمسة وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين ) فجعل لله خمس الغنائم ، والخمس يخرج من أربعة وجوه : من الغنائم التي يصيبها المسلمون من المشركين ، ومن المعادن ، ومن الكنوز ، ومن الغوص . وسائل الشيعة (آل البيت)، ج9، ص490، المحكم والمتشابه، للسيد المرتضى، ص57.

خمس از چهار وجه بدست می آید از غنایمی که از مشرکین گرفته می شود . از معدن از گنج واز غواصی .

[ 12591 ] 1 - محمد بن الحسن بإسناده عن سعد ، عن يعقوب بن يزيد ، عن علي بن جعفر عن الحكم بن بهلول ، عن أبي همام ، عن الحسن بن زياد ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : إن رجلاً أتى أمير المؤمنين عليه السلام فقال ، يا أمير المؤمنين إني أصبت مالا لا أعرف حلاله من حرامه ، فقال له : أخرج الخمس من ذلك المال ، فإن الله عز وجل قد رضي من المال بالخمس ، واجتنب ما كان صاحبه يعلم .

شخصی نزد امیر مومنان آمد وگفت من مال بدست آورده ام که حلال آن را از حرامش نمی دانم . پس حضرت فرمودند

خمس آن مال را بده پس بدرستی که خداوند از این مال به خمسش راضی است اما مقداری را که صاحب آن را می دانی از آن پرهیز کن (وبه صاحبش برگردان)

[ 12593 ] 3 - محمد بن علي بن الحسين قال : جاء رجل إلي أمير المؤمنين عليه السلام فقال : يا أمير المؤمنين أصبت مالا أعمضت فيه ، أفلي توبة ؟ قال : ائتني بخمسه فأتاه بخمسه ، فقال : هو لك إن الرجل إذا تاب تاب ماله معه .

وسائل الشيعة (آل البيت) - الحر العاملي - ج 9 - ص 505 - 506

شخصی نزد امیر مومنان آمد و گفت مالی بدست آورده ام که چشمم را بر روی آن بسته بودم (یعنی توجه به حلال و حرام آن نداشتیم) آیا راهی برای توبه دارم حضرت فرمودند خمس آن را به من بده پس شخص خمس را آورد . پس گفت آن برای تو باشد (خمس را به خود وی بخشیدند) . پس بدرستی که شخص وقتی توبه کند مالش هم پاک می شود . پس می بینیم که حتی امیر مومنان هم خمس را مخالف با نظر اهل تسنن تفسیر کرده اند .

### خلاصه مطالب :

خمس حتی از زمان امیر مومنان طبق نظر شیعه ترجمه می شده است . علت اختلاف اهل تسنن وجود روایاتی است که ادعا دارند خمس را فقط در جنگ واجب کرده است اما آن روایات دلالت بر مقصودشان نداشته و حتی در بعضی مخالف مقصودشان است .

### جمع بین نماز ظهر و عصر و بین مغرب و مشاء ،

جواب سوال آخر : سه وقت نماز خواندن جزو مطالبی است که خود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بدان عمل نموده اند . و آن را جزو راحتی هایی می دانند که خداوند برای امت ایشان قرار داده است .

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى قَالَ قَرَأْتُ عَلَى مَالِكٍ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ جَمِيعًا فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ

صحیح مسلم ، ج 1 ، ص 489 ، باب الجمع بین الصلاتین فی الحضر

رسول خدا نماز ظهر و عصر را باهم خواندند و مغرب و عشاء را باهم و نه ترسی بود ( جنگی ) و نه سفری و حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ وَعَوْنُ بْنُ سَلَامٍ جَمِيعًا عَنْ زُهَيْرِ قَالَ ابْنُ يُونُسَ حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ حَدَّثَنَا أَبُو الزُّبَيْرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ جَمِيعًا بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ

قَالَ أَبُو الزُّبَيْرِ فَسَأَلْتُ سَعِيدًا لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَالَ سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ كَمَا سَأَلْتَنِي فَقَالَ أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرَجَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ . همان .

رسول خدا نماز ظهر و عصر را در مدینه باهم خواندند که نه ترسی بود و نه سفری پس ابو الزبیر می گوید پرسیدم از سعید که چرا اینطور فرمودند . او گفت از ابن عباس همین را سوال کردم پس او گفت : می خواست که بر کسی از امتش سخت نگیرد . و...